



## تختین معلم زن



درباره حضرت فاطمه (س) چه می‌توان گفت جز آن که بگوئیم؛ او معلم بزرگ زنان، رهبر، هادی، اسوه و الگوی آنان است. خانه او با همه کوچک بودنش مدرسه و مرکز درس است. زنان مدینه و گاهی هم زنان نقاط دیگر به منظور درک و فهم مسائل به حضورش می‌رسیدند و از محضرش کسب فیض می‌کردند. تلاش او در این بود که به هدایت زنان پرداخته و آنان را بسازد. کار معلمی او در جهان آن

روز وجود داشته و آثار آن تا امروز هم ادامه دارد. نقش او در تکامل زنان و هم در حل مسائل خاص زنان‌شان در بعد تطبیق با تعالیم اسلام فوق‌العاده بود و توان ارتباط او با زنان به خاطر هم جنس بودن با آنان بسیاری از دشواری‌های پیامبر (ص) را در امر ایفای رسالت خود با این گروه رفع می‌کرد. در آغاز کار که هنوز اسلام در حال شکل گرفتن بود، تلاش حضرت فاطمه (س) در این قسمت پراکنده و به تناسب شرایط اتفاقی بود، ولی بعدها که اسلام رونقی یافت و بر عده مسلمانان افزوده شد، مخصوصاً در سه سال آخر حیاتش، درسی‌آموزی‌ها ایشان به صورت رسمی و منظم درآمد و بخشی از اوقات زندگی شبانه روزی حضرت (س) را پر می‌کرد. زنان مهاجر و انصار به خدمتش مراجعه کرده و از او درس زندگی و دین می‌آموختند.

**وظایف و مسؤولیت‌ها:** حضرت فاطمه (س) در خود براساس بینش اسلامیش احساس مسؤولیت می‌کرد و برای خویش وظایفی را می‌شناخت از جمله آن که ناآگاهان را بیآگاهاند، نقاب از چهره تعالیم اسلامی بر دارد و راه و روش پیاده کردن آن را به زنان بیاموزد، زیرا آغاز امر بود و چنان نیازی در سطحی بالا مشهود بود. از سوی دیگر حضرت (س) این وظیفه را درباره خود احساس می‌کرد که راه زنده و با شرافت ماندن را به آنان یاد دهد و در سایه این آموزش‌ها دست متجاوزان و آلودگان را از دامن زن کوتاه نماید و شر بدخواهان را از سرشان دور دارد. حضرت فاطمه (س) به زنان آموخت که شأن و رتبت‌شان بسی بالاتر از آن است که بازیچه دست آلودگان باشند و به عنوان ابزاری در خدمت رونق دادن بازار شهوات قرار گیرند. به آنان تفهیم کرد که بهای وجودشان بهشت است و این يك گناه نابخشودنی است که خود را ارزان بفروشند و یا در خدمت مفسد و رسوائی‌ها قرار گیرند. حضرت (س) برای خود این احساس مسؤولیت و تعهد را داشت که نظام عقلی را در جامعه زنان رونق دهد، اندیشه‌شان را متوجه تربیت درست نسل و تحکیم کانون خانوادگی نماید و این روحیه را در آنان زنده سازد که صعودها و سقوط‌ها در گرو کار و تلاش آنان و آینده نیک و بد جامعه در سایه سرمایه‌گذاری امروز آنان است. بدینسان حضرت فاطمه (س) يك رهبر است و يك راهنما، رهبری که معصومه است و خطاها و لغزش در کار او و در راه و روش او وجود ندارد. رهبر زنان دیروز و امروز جامعه است، زیرا او از آن بابت که از نظر فضل و حسب و رشد از دیگر زنان امت بریده و در سطحی فراتر است.<sup>1</sup>

**آموزش زنان:** از خدمات حضرت فاطمه (س) خدمت در بخش آموزش زنان است، اما این که حضرت (س) چه چیزهایی به زنان می‌آموخت؟ پاسخ: آموزش حضرت (س) برای انواع شاگردانش متفاوت بود. برخی از آنان در سطوح بالاتر و گروهی در سطوح پایین‌تر بودند. به افرادی چون اسماء بنت عمیس که در سطحی نسبتاً بالا آموزش قرار داشتند، حتی از تفسیر قرآن و نکته‌هایی مهم از معارف اسلامی را می‌آموخت و برای برخی دیگر مسائل شرعی و دینی روز مره را آموزش می‌دادند. حضرت (س) هم چنین به زنان می‌آموخت که در امر تربیت فرزندان چه جنبه‌هایی را مراعات کنند و یا در حضور اجتماعی چه ضرورت‌هایی را در نظر بگیرند، در برخورد با شوهر، همسایه، مردان و زنان مختلف، والدین و مهمان و ... چگونه باشند. گاهی حضرت (س) به زنان درس جرات و شجاعت می‌داد، به گونه‌ای که قادر باشند از خودخواهی‌ها و هوسمندی‌ها بگذرند، حق‌گوی و حق‌جوی باشند. اهداف عالی تری را در زندگی روزمره خود برگزینند. از هر چه که پستی است دوری جویند. حضرت (س) روح تقوا را در آنان می‌دمید و با معارف نشأت گرفته از قرآن آنان را به راه صواب وا می‌داشت.

<sup>1</sup> به گفته ابن جوزی در کتاب تذکرة الخواص او حضرت فاطمه (س) است از آن بابت که از نظر فضل و حسب و رشد از دیگر زنان امت بریده و در سطحی فراتر است.

**استدلال آوری حضرت زهرا (س):** آموزش راه و رسم دفاع در عقیده و ایمان از کارهای مهم حضرت (س) است. این که افراد باید مسلمان باشند يك مسأله است و جمع عظیمی آن را پذیرفته و مورد رعایت قرار می‌دهند. اما این هم نکته مهمی است که افراد بتوانند از عقیده خود با استدلال دفاع کنند و طرف را قانع سازند. دو نفر با هم درگیری داشتند. کارشان از بحث گذشته بود. از این دو نفر یکی مؤمن و دیگری غیرمؤمن بود. حضرت (س) دلایل درست را در اختیار زن مؤمن قرار داد تا بتواند در بحث پیروز شود و طرف مقابل را قانع کند. هدایت حضرت (س) او در بحث پیروز کرد. آنگاه حضرت (س) که از این پیروزی خبر یافت به او فرمود: شادی فرشتگان به پیروزی تو بیشتر از خوشحالی تو است. اندوه شیطان در شکست او بیش از اندوه آن زن است، زیرا بحث حق و باطل و پیروزی حق است.<sup>۲</sup>

**آموزش همسر داری:** از دیگر آموزش‌های حضرت فاطمه (س) به زنان آموزش درس مدیریت کانون و رعایت حقوق خانواده بود. در آن روزگار که مردان بر زنان استیلا کامل داشتند و حتی زن را مثل خدمتکار خود حساب می‌آوردند. موضع‌گیری اسلام در قبال زنان و حمایت از آنان این خطر را هم برای برخی از عاقلان پدید می‌آورد که از اطاعت مشروع همسر سرباز زنند و تبعیت لازم را نداشته باشند و این خود نیاز به اصلاح اندیشه و پیگیری داشت. حضرت (س) سعی داشت ضمن آشنا کردن زنان به حقوق خود و همسر و فرزندان پاره‌ای از اندیشه‌های افراطی یا تفریطی را در آنان تعدیل کند. نه آن چنان که زنان تسلیم باشند و در همه امور اطاعت کنند حتی در گناه، و نه آن چنان نافرمان که حقوق شوهر را نادیده گیرند. زیرا اصولاً در هر انقلاب فکری که در جامعه‌ای پدید آید افراد خیلی زود به افراط و تفریط کشانده می‌شوند. او هم چنان دفاع از حق شوهر را ضروری دانست، به ویژه که در همسر حقانیتی راجع به مسأله‌ای باشد. عدم اطاعت از فرمان به حق شوهر را نوعی قبول لعنت خدا و فرشتگان معرفی فرمود. تسلیم زن به شوهر را در گناه، مثل روابط جنسی با شوهر مست. براساس سخن پیامبر (ص) مانند خریداری لعنت‌ها به تعداد ستارگان آسمان است. لذا وجود کسی که بتواند مرزها را برای زنان معین و به آنان تفهیم کند بسیار ضرور بود.

**طرز برخورد با زنان :** حضرت فاطمه (س) در برخورد با زنانی که برای کسب دانش و اطلاع نزد او می‌آمدند صبر و حوصله بسیاری را از خود نشان می‌داد، از کثرت سؤال و پاسخ خسته می‌شد ولی آن را به روی خود نمی‌آورد و می‌کوشید کسی را شرم‌نده نسازد به نمونه زیر از این برخورد حضرت فاطمه (س) توجه کنیم.

• زنی به نزد حضرت (س) آمد که مادر پیری دارم، در امر نماز برای او سؤال و اشتباهی پیش آمده، مرا به نزد شما فرستاد تا پاسخ صحیح را بیاموزم. آنگاه سؤال را طرح کرد و حضرت (س) پاسخ آن را داد. اجازه خواست که سؤال دومی را مطرح کند و حضرت (س) اجازه داد و او طرح کرد و پاسخ یافت. اجازه سؤال بعدی و بعدی، تا ده سؤال شد و حضرت فاطمه (س) هم چنان به آنان جواب می‌داد و آن زن خود از کثرت سؤال شرم‌نده گشت و گفت: ببخشید شما را خسته کرده‌ام، دیگر مزاحم نمی‌شوم. حضرت (س) فرمود: هر چه سؤال داری بپرس من از پاسخ به سؤال رنجیده نمی‌شوم. داستان پاسخگویی من به سؤالات شما همانند داستان کسی است که صد هزار دینار را با خود ببرد و آن را بر دوش خود حمل کند - آیا چنین عملی بر او ناخوش خواهد آمد؟ - برای هر پاسخ من به سؤال تو هزاران هزار اجر است. من از پدرم شنیدم که دانشمندان امت من در روز قیامت به اندازه دانش‌شان و میزان تلاشی که در جهت راهنمایی

بندگان خدا داشته‌اند ارج و قرب می‌یابند. البته حضرت (س) در امر ارتباط با زنان امین و راز دار بود، سعی بر این داشت که اسرار آنان را حفظ کند و جلوی آبروریزی‌ها را بگیرد.<sup>۳</sup>

**ثمره تلاش و تربیت:** حضرت فاطمه (س) کوششی فوق‌العاده برای تربیت و هدایت زنان داشت و ثمره تربیت او از یکسو فرزندان او هستند که شرح و معرفی حالات و صدمات به هر يك از آنان دفتری جداگانه می‌طلبد و از سوی دیگر ده‌ها زن که هر کدام در دوران حیات خود هم چون آفتابی در آسمان اسلام درخشیدند و در عصر خود هادی و راهنمای دیگران بودند. از راه های شناخت حضرت (س) شناخت دست پروردگان حضرت (س) است که خود حکایت دیگر دارد از شأن و عظمت حضرت (س)، چه بسیارند زنانی که رشد اسلامی و اجتماعی خود را مرهون حضرت (س) بوده‌اند و حتی بر اثر رهنمودهای او شرایط خانواده و همسر را تغییر داده‌اند. دو تن از شاگردان حضرت (س) که نسبتاً معروفترند و درخشندگی بیشتری از خود نشان داده‌اند:

۱. **اسماء بنت عمیس:** وی که دست پرورده حضرت فاطمه (س) است، همسر ابوبکر بود. او مَحْرَم راز حضرت (س) بود، همان کسی که در شستشوی حضرت (س) حضور داشت و به امام علی (ع) کمک می‌کرد. حضرت (س) درباره او سرمایه‌گذاری وقتی بسیار داشت و چه بسیارند نکته‌هایی که او از محضر حضرت (س) کسب کرد و بعدها در زندگی از آن بهره گرفت. در داستان نقشه ترور امام علی (ع) که در خانه ابوبکر صورت گرفته بود، اسماء خبر آن را یافته بود، قرار بر این بود که خالد بن ولید (اباسلیمان) در مسجد در کنار علی بنشیند و به محض خاتمه یافتن نماز ابوبکر امام علی (ع) را بکشد. اسماء از این جریان شدیداً بیم ناک شد و جرأت نکرد که خبر آن را مستقیماً به امام (ع) برساند. خدمتکار خود را دستور داد که به نزد امام علی (ع) برو و قرائت صحیح و تفسیر این آیه را از جانب من از امام (ع) بپرس و پاسخ بیاورد. آن آیه این بود: *و جاء رجل من اقصی المدینة یسعی، قال یا موسی ان الملاء یأتمرون بک لیقتلوك، فاخرج انی لک من الناصحین: مردی از نقطه دور دست دوان دوان آمد و گفت ای موسی مردم در این تصمیم و اراده‌اند که ترا بکشند، زود بیرون رو من از نصیحت کنندگان و خیرخواهان توام.*<sup>۴</sup> او که آیه را به امام (ع) رسانید، امام (ع) گُنه قضیه را دریافت و پیام داد: *انّه یحول بین المرء و قبله: مطمئناً خداوند بین من و آنان را حائل خواهد شد و بر این اساس خاطر اسماء را آسوده کرد.*<sup>۵</sup> داستان هم به همین گونه بود. ابوبکر در حین سلام نماز از تصمیم قتل علی در مسجد منصرف شد و قبل از سلام گفت: *یا ابا سلیمان لا تفعل ما امرتک، و ان فعلت قتلتک.* ای اباسلیمان آنچه به تو دستور دادم اجرا مکن، اگر چنان کنی تو را خواهم کشت و نماز را با السلام علیکم و رحمة الله خاتمه داد. امام (ع) از خالد پرسید: *قضیه چه بود؟ او هم حقیقت حال را باز گفت.* امام (ع) با او درگیر شد و بر زمینش کوبید که آیا تو را بدین حدّ جرأت است؟ گروهی امام (ع) را به پیامبر (ص) و حضرت فاطمه (س) قسم دادند که از او دست بردارد و رهایش کند.

۲. **فضه:** از شاگردان حضرت فاطمه (س) و پرورش یافته در خانه او خادمه او فضا است. او ظاهراً از اسرای جنگی است که رسول خدا (ص) او را به فاطمه (س) بخشیده بود. او دختر پادشاه هند بود و به علوم غریبه از جمله علم کیمیا یا اکسیر اطلاعی داشت و وقتی وارد خانه حضرت فاطمه (س) شد و آن را خالی از زیور یافت با استفاده از آن علم برخی از اشیاع خانه را به طلا تبدیل کرد و امام علی (ع) به او تفهیم کرد که او را نیازی به این امور نیست و از او

<sup>۳</sup> بحار الانوار، ج ۲، ص ۳.

<sup>۴</sup> آیه ۲۰ سوره قصص.

<sup>۵</sup> آیه ۲۴ سوره انفال.

خواست آنان را به وضع اولیه‌اش برگرداند و او نتوانست. سال‌ها در خانه امام (ع) بود و عاشق حضرت فاطمه (س) و خاندان او بود و هرگز تاب جدائی از آنان را متحمل نبود. در خانه حضرت فاطمه (س) به بسیاری از رموز علمی و فنی آشنا شد، قرآن را حفظ کرد به آموزش تفسیر قرآن پرداخت و الحق قرآن را در خون و رگ خود جریان داد. عابده ای بی مانند گردید، کم کم کارش به جائی رسید که قدم در جای قدم حضرت فاطمه (س) می‌نهاد، در عبادت‌ها سعی داشت به او تاسی کند در داستان اطعام افطاریه خود در سه شب متوالی به مسکین و یتیم و اسیر فضه هم مشارکت داشت. او زنی است که بعدها ازدواج کرد و صاحب فرزندانی شد که در واقعه کربلا به همراه امام حسین (ع) و خاندانش حضور یافت و پس از واقعه کربلا به مانند دیگر مصیبت‌زدگان و اسیران بود. ۲۰ سال پس از آن واقعه زنده بود و در تمام آن مدت هیچ سخنی نگفت و تکلمی نکرد جز با آیات قرآن. در بیابان او را دیدند و پرسیدند: تو کی هستی؟ جواب داد: و قل سلام فسوف تعلمون: اول سلام کن بعد به زودی خواهی فهمیدی. از کجا می‌آئی؟ جواب داد: من مکان بعید: از جائی دور. به کجا می‌روی؟ جواب داد: والله علی الناس حج البیت: از جانب خدا طواف بیت واجب شد. چند روز است در راهی؟ جواب داد: و لقد خلقنا السموات و الارض فی سته ایام: ما آسمانان را در ۶ روز خلق کردیم. به همین ترتیب سؤالات بود و جواب او به آیه قرآن - و در این هنگام فرزندانش سر رسیدند که او مادر ماست و شرح حال او را باز گفتند. او این همه زندگی و مهارت کلامی را در سایه تربیت حضرت فاطمه (س) به دست آورده بود و کیست که زنان را بدین گونه پرورده باشد.<sup>۶</sup>

<sup>۶</sup> مقدمه ی امام موسی صدر بر کتاب «فاطمه رهرا(س)» نوشته استاد سلیمان کنانی - ماهنامه فرهنگی اجتماعی خیمه - شماره ۴۱ و ۴۰ - خرداد ۱۳۸۷.